

رابطه بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با پرخاشگری

The Relationship between Belief in a Just and an Unjust World and Aggression

Mohsen Golparvar, PhD
Islamic Azad University
Khoorasgan Branch

Sarvar Khaksar
M. A. in Psychology

سرور خاکسار
کارشناس ارشد روان‌شناسی

دکتر محسن گل‌پرور
استادیار دانشگاه آزاد اسلامی
واحد خوراسگان (اصفهان)

Flor Khayatan
M. A. Psychology

فلور خیاطان
کارشناس ارشد روان‌شناسی

Abstract

The Rubin and Peplau's (1975) Belief in a Just World Scale (BJWS), and Buss & Perry's (1992) Aggression Questionnaire were used to estimate the correlations between dimensions of aggression (anger and hostility) and belief in a just and an unjust world. Using multistage random method of sampling, 430 persons above age 16 in the city of Esfahan were selected as participants and completed the questionnaires. Analysis of data showed that anger and hostility were negatively correlated with belief in a just world ($r=-0.17$, and -0.12 , $P<0.01$) and with belief in an unjust world ($r = -0.10$ and -0.16 , $P<0.01$) respectively. Partial correlations, controlling for anger and hostility, indicated that belief in a just world has a significant negative relationship with anger ($r=-0.12$, $P<0.01$). Belief in an unjust world also was negatively correlated with hostility ($r=-0.13$, $P<0.01$). Analysis of regression demonstrated that belief in a just and an unjust world can predict anger, and belief in an unjust and just world can predict hostility ($p<0.01$).

Key words: belief in a just world, belief in an unjust world, aggression, anger, hostility.

چکیده

هدف این پژوهش، پیش‌بینی ابعاد پرخاشگری از طریق باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه بود. از جامعه ۱۶ سال به بالای زن و مرد شهر اصفهان با استفاده از نمونه‌برداری چند مرحله‌ای تعداد ۴۳۰ نفر زن و مرد انتخاب و به مقیاس باور به دنیای عادلانه (BJWS؛ رابین و پیلاو، ۱۹۷۵) و پرسشنامه پرخاشگری (باس و پری، ۱۹۹۲) پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون، ضریب همبستگی تفکیکی و رگرسیون گام به گام تحلیل شدند. نتایج نشان دادند که باور به دنیای عادلانه با خشم و خصومت به ترتیب رابطه منفی معنادار ($r=-0.166$ و $r=-0.118$) و باور به دنیای ناعادلانه نیز با دو متغیر خشم و خصومت رابطه منفی معنادار ($r=-0.156$ و $r=-0.097$) دارند. ضرایب همبستگی تفکیکی با کنترل خشم و خصومت نشان دادند که باور به دنیای عادلانه فقط با خشم ($r=-0.124$) و باور به دنیای ناعادلانه فقط با خصومت ($r=-0.125$) دارای رابطه منفی معنادار هستند. نتایج تحلیل‌های رگرسیون گام به گام نیز نشان دادند که برای خشم به ترتیب باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه و برای خصومت به ترتیب باور به دنیای ناعادلانه و عادلانه دارای توان پیش‌بینی معنادار هستند ($P<0.01$).

واژه‌های کلیدی: باور به دنیای عادلانه، باور به دنیای ناعادلانه، پرخاشگری، خشم، خصومت.

Contact information :mgolparvar@khuisf.ir

received : 23 Jan 2008

دریافت : ۸۶/۱۱/۴

accepted : 7 Dec 2008

پذیرش : ۸۷/۹/۱۷

مقدمه

انسانها نیازمند درک دنیای اجتماعی خویشان به عنوان مکانی قابل پیش‌بینی، منظم و استوار هستند (گرین‌برگ، سولومون و پسیکینسکی، ۱۹۹۷؛ جوست و باناجی، ۱۹۹۴). چنین درکی به افزایش مهار محیط^۱، انگیزش^۲، خوداثربخشی^۳، حرمت خود^۴، سلامت روانی^۵ و ممنوعیت هنجاری^۶ رفتارهای مختلف منجر می‌شود (گل‌پرور و جوادی، ۱۳۸۶؛ لپیکوس، دالبرت و سیلگر، ۱۹۹۶). از جمله باورهایی که انسانها در خزانه ذهنی خود جای داده‌اند، باور به دنیای عادلانه^۷ است که در ادراک نظم و استواری جهان اجتماعی نقش غیرقابل انکاری ایفا می‌کند. این باورها دارای این درون مایه ذهنی هستند که افراد خوب با رویدادها و پیامدهای خوب و افراد بد با رویدادها و پیامدهای بد مواجه می‌شوند، بنابراین هر کس مسئول چیزی است که نصیبش می‌شود (گل‌پرور، کامکار و جوادی، ۱۳۸۶).

شواهد پژوهشی به‌رغم حمایت فزاینده از نظریه دنیای عادلانه، به تمایز مفهومی در این باورها منجر شده‌اند (گل‌پرور و عریضی، ۱۳۸۶). برای نمونه در مفهوم‌سازی اولیه، این نوع باورها پیوستاری را تشکیل می‌دهند که در یک سوی آن باور به دنیای عادلانه و در سوی دیگر آن باور به دنیای ناعادلانه قرار دارد. با این وجود بررسیهای دیگر نشان داده‌اند که باور به دنیای عادلانه و دنیای ناعادلانه دو باور متمایز، با دو پیوستار مستقل هستند (گل‌پرور، ۱۳۸۶؛ فرنهام، ۱۹۸۵؛ کارانی، ۱۹۸۵؛ دالبرت، لپیکوس، سالی و گوچ، ۲۰۰۱).

افرادی که به دنیای عادلانه تعلق خاطر دارند، از مسند مهارگری درونی^۸ برخوردارند، اخلاق کاری^۹ نیرومندتری را نشان می‌دهند، ارزشهای سیاسی محافظه‌کارانه‌تری دارند و نمره‌های بالاتری در رضایت از زندگی و نمره‌های پایین‌تری در افسردگی و اضطراب کسب می‌کنند (گل‌پرور و دیگران، ۱۳۸۶؛ فرنهام و پروکتر، ۱۹۸۹). اما افرادی

که دارای باور نیرومند به دنیای عادلانه نیستند، از زندگی خود رضایت کمتری دارند، نشانه‌های نارسایی روان‌شناختی مانند افسردگی و اضطراب در آنها دیده می‌شوند و مسند مهارگری آنها کمتر درونی است (فرنهام و پروکتر، ۱۹۸۹). یکی از کنشهای^{۱۰} بسیار مهم باور به دنیای عادلانه این است که توانایی مفهوم بخشیدن به وقایع منفی جهان اجتماعی را در انسانها به وجود می‌آورد (لرنر، میلر و هولمز، ۱۹۷۶). این سبک تبیینی^{۱۱}، جنبه سازشی^{۱۲} دارد، زیرا از افراد در مقابل احساس آسیب‌پذیری در برابر حوادث منفی محافظت می‌کند. به عبارت دیگر، مادامی که مردم خوب هستند، امور بدی برای آنها اتفاق نخواهد افتاد. در حقیقت، هر اندازه باور نسبت به دنیای عادلانه بیشتر باشد، احساس آسیب‌پذیری در برابر گستره وسیع تهدیدهایی که در جهان اجتماعی وجود دارند، کمتر است (هافر و اولسون، ۱۹۹۳؛ لامبرت، بروس و نگیونن، ۱۹۹۹؛ اسکات، ۲۰۰۸).

به‌طور کلی وقتی افراد جهان را فاقد عدالت و انصاف می‌بینند اغلب احساس اضطراب، تنیدگی^{۱۳} و آسیب‌پذیری (جان اوف - بولمن، ۱۹۸۹)، نشانه‌های نابسامانی روانی مانند اضطراب، بی‌خوابی، افسردگی، تمایل به خودکشی، نارسا کنش‌وری اجتماعی (گل‌پرور و جوادی، ۱۳۸۶؛ گل‌پرور و دیگران، ۱۳۸۶) و همچنین سوءظن، بدگمانی و رفتارهای پرخاشگرانه و غیرمنطقی در آنها به وجود می‌آید (گل‌پرور، ۱۳۸۶).

اما پژوهشهای چند دهه گذشته در باب تفاوت‌های فردی در رفتار پرخاشگرانه نیز به نقش باورهای افراد نسبت به پدیده‌های مختلف توجه داشته‌اند و این بررسیها رفتار را دارای دو منبع دانسته‌اند: اولین منبع ساختار دانش نهفته^{۱۴} رفتارهای پرخاشگرانه است که باورهای هنجاری^{۱۵} فرد در باب مناسب‌بودن و پذیرش رفتار پرخاشگرانه را شامل می‌شود (هیوسمن و گوئرا، ۱۹۹۷). دومین منبع، نحوه پردازش اطلاعات اجتماعی^{۱۶} است که مکانیزمهای روانی^{۱۷}

1. control over the environment
2. motivation
3. self-efficacy
4. self-esteem
5. mental health
6. norms prohibition

7. belief in a just world
8. internal locus of control
9. work ethic
10. functions
11. explanatory style
12. adaptive

13. stress
14. latent knowledge structure
15. normative beliefs
16. social information processing
17. mental mechanism

از قبیل اسناد^۱ عمدی بودن رفتار به عامل ناکام کننده^۲ (داج، پتیت، مک کلاسی و براون، ۱۹۸۶؛ داج، بیتس و پتیت، ۱۹۹۰) را در بر می‌گیرد. در همین راستا نیز اندیشمندی چون هیگینز (۱۹۹۶) و میشل و شودا (۱۹۹۵) الگویی عمومی^۳ معرفی کرده‌اند که در آن ساختارهای دانش نهفته، به نحوه پردازش اطلاعات اجتماعی در موقعیتهای مختلف شکل می‌دهد. یکی از ساختارهای دانش و باور که گویی توزیعی گسترده در میان فرهنگها، ملل و اقوام مختلف دارد، باور به دنیای عادلانه است. این باورها، مانند دیگر نظامهای باور بر نحوه پردازش اطلاعات اجتماعی اثر می‌کنند.

وقتی در افراد باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه به عنوان ساختار دانش و باور ذهنی فعال و برجسته شود، شواهدی که همسو یا ناهمسو با این نوع باورها باشند، پردازش اطلاعات اجتماعی را تغییر می‌دهند و سوگیری اسنادی و رفتارهای پرخاشگرانه (پرخاشگری جسمانی، پرخاشگری کلامی، خشم و خصومت) را به راه می‌اندازند. اسلابی و گوته‌را (۱۹۸۸) نشان داده‌اند، نوجوانان خشنی که اعمال مجرمانه مرتکب می‌شوند و دوران کیفی خود را سپری می‌کنند، دارای باور به دنیای عادلانه ضعیفی هستند. بگیو و مولر (۲۰۰۶) نیز با طرح این فرضیه که باور به دنیای عادلانه به عنوان مانعی^۴ در برابر تهدید عمل می‌کند و در نتیجه باعث تعدیل^۵ سوگیری اسنادی خصمانه^۶ می‌شود، ۳۷۹ نوجوان ۱۰ تا ۱۶ ساله را بررسی کردند و نشان دادند که هر چه افراد از نظر باور به دنیای عادلانه در سطح بالاتری باشند، تمایلات پرخاشگرانه کمتری نشان می‌دهند.

رابطه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با رفتارهای پرخاشگرانه، بر پایه کنشهایی که برای این باورها مطرح هستند نیز قابل تبیین است. نخستین کنش باور به دنیای عادلانه، از سویی نقش ضربه‌گیری^۷ آن در برابر حوادث تنیدگی‌زای زندگی مانند بیکاری، فقدان حرمت خود و بد رفتاریهای اجتماعی است (دالبرت، ۲۰۰۲؛ موتداد،

۱۹۹۸؛ براون و گرور، ۱۹۹۸)، از سوی دیگر، موجب می‌شود تا افراد بتوانند خشم خود را در موقعیتهای مختلف مهار کنند (دالبرت، ۲۰۰۲). دومین کنش این باورها آن است که بی‌عدالتی ادراک شده را به حداقل می‌رساند و تحمل محرومیت شخصی را افزایش می‌دهد (برت و داین، ۱۹۸۷، هافر و اولسون، ۱۹۹۳؛ لیکوس و سیگلر، ۱۹۹۳). سومین کنش باور به دنیای عادلانه افزایش اعتماد بین فردی (بگیو، ۲۰۰۲؛ لیکوس، ۱۹۹۱) و کاهش دیدگاههای منفی نسبت به جهان پیرامونی است (کراندال و کوهن، ۱۹۹۴).

پژوهش توماکا و بلاسکوچ (۱۹۹۴) نشان داده که هر چه افراد دارای باور نیرومندتری به دنیای عادلانه باشند، عوامل تنیدگی‌زای زندگی روزمره خود را به عنوان چالش^۸ و نه تهدید^۹ تفسیر می‌کنند. تفسیر تنیدگی و ناکامی به‌عنوان چالش یا تهدید، نتایج متفاوتی به بار می‌آورد. لیکوس و بی‌سونت (۱۹۹۶) و هافر و اولسون (۱۹۹۸) نشان داده‌اند که باور به دنیای عادلانه تحمل افراد در برابر ناکامی و نتایج بد حاصل از زندگی روزمره را بالا می‌برد و در نتیجه، هیجانهای منفی^{۱۰} مانند غم و خشم را کاهش می‌دهد. در حالی که هر چه بی‌انصافی ادراک شده^{۱۱} در افراد بیشتر باشد، دنیا را ناعادلانه‌تر می‌دانند و خشم و خصومت آنها تشدید می‌شود (هافر و کوری، ۱۹۹۹).

به نظر می‌رسد که وقتی فرد به جای دنیای عادلانه به دنیای ناعادلانه باور دارد، توانایی مهار و کاهش خشم و پرخاشگری خود را از دست می‌دهد. در شرایط چالش-انگیز، واکنش انسانها نسبت به تهدیدی که از جانب محیط اطراف متوجه آنها می‌شود، متفاوت است. این واکنشها از یک سو، با جهت‌گیری باور و از سوی دیگر، با میزان شدت و نیرومندی این باورها مرتبط‌اند. یعنی باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه نه تنها تعیین کننده نوع واکنش انسانها نسبت به محیط است، بلکه نیرومندی و شدت آن است که شیوه مقابله افراد را تعیین و مشخص می‌کند

1. attribution
2. frustrate factor
3. general model
4. barrier

5. moderation
6. hostile attributional bias
7. buffer
8. challenge

9. threat
10. negative emotions
11. perceived unfairness

(۱۹۷۵) یک مقیاس ۲۰ سؤالی و دارای شهرت جهانی است (برای جزئیات بیشتر به دالبرت، لیکوس، سالی و گوج، ۲۰۰۱ مراجعه کنید). این مقیاس برای اولین بار در ایران توسط گل‌پرور (۱۳۸۶) اعتباریابی و رواسازی شد و ساختار دو عاملی آن مورد تأیید قرار گرفت. باور به دنیای عادلانه با ۱۱ سؤال و باور به دنیای ناعادلانه با ۹ سؤال و براساس مقیاس هفت درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۷) اندازه‌گیری می‌شود. با توجه به نمره‌گذاری و تفسیر معکوس نمره‌های حاصل از زیر مقیاس باور به دنیای ناعادلانه، کاهش نمره‌ها در این زیرمقیاس حاکی از تلقی دنیا به عنوان مکانی سرشار از بی‌عدالتی است. در مطالعه انجام شده توسط گل‌پرور (۱۳۸۶) با گروه نمونه‌ای بیش از ۱۰۰۰ نفر، اعتبار (برحسب آلفای کرونباخ) برای باور به دنیای عادلانه ۰/۶۷۲ و برای باور به دنیای ناعادلانه ۰/۶۷۸ بود. در پژوهش حاضر نیز اعتبار این مقیاس بررسی و ضرایب آلفای کرونباخ ۰/۷۳ برای باور به دنیای عادلانه و ۰/۷ برای باور به دنیای ناعادلانه به دست آمد.

• برای سنجش پرخاشگری از پرسشنامه باس و پری^۲ (۱۹۹۲) نسخه ژاپنی (برگرفته شده از ناکانو، ۲۰۰۱) که به نظر می‌رسید تناسب بیشتری با فرهنگ آسیایی داشته باشد، استفاده شد. این پرسشنامه دارای ۲۹ سؤال و چهار زیرمقیاس پرخاشگری جسمانی^۳ (۹ سؤال)، پرخاشگری کلامی^۴ (۵ سؤال)، خشم^۵ (۷ سؤال) و خصومت^۶ (۸ سؤال) است و در مقیاس پنج درجه‌ای (کاملاً مخالفم = ۱ تا کاملاً موافقم = ۵) نمره‌گذاری می‌شود. ابتدا پرسشنامه به فارسی برگردانده شد، سپس توسط یک نفر از اساتید روان‌شناسی، با متن انگلیسی تطبیق داده شد و اصلاحات نهایی صورت گرفت. ناکانو (۲۰۰۱) با استفاده از تحلیل عاملی، ساختار چهار عاملی این پرسشنامه را تأیید و روایی آن را برحسب تفاوت در پرخاشگری بین زنان و مردان گروه نمونه گزارش کرده و نشان داد که نمره‌های مردان در دو حوزه پرخاشگری کلامی و جسمانی به‌طور معناداری بالاتر از زنان بود، اما در حوزه خصومت و خشم تفاوت

که آیا فرد در مقابله با شرایط پیش رو، واکنشهای فعل-پذیر مانند افسردگی، اضطراب و ناامیدی نشان خواهد داد و یا رفتارهای فعال مقابله‌ای و تهاجمی مانند پرخاشگری را در پیش خواهد گرفت.

مرور ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد که اغلب پژوهشگران به رابطه باور به دنیای عادلانه با واکنشهای هیجانی منفی مانند خشم و اندوه اشاره کرده‌اند بدون آنکه به رابطه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه و ابعاد پرخاشگری توجه کافی مبذول کنند. بنابراین در این پژوهش به منظور بررسی رابطه ابعاد پرخاشگری مانند پرخاشگری کلامی، جسمانی و خصومت با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، پرسشهایی که در پی می‌آیند، مطرح شده‌اند:

- آیا باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با ابعاد پرخاشگری (پرخاشگری جسمانی، کلامی، خشم و خصومت) رابطه دارد؟
- آیا باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه، خشم، خصومت، پرخاشگری جسمانی و پرخاشگری کلامی را پیش‌بینی می‌کند؟

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. از بین زنان و مردان ۱۶ سال به بالای ساکن شهر اصفهان در بهار ۱۳۸۶ یک نمونه به حجم ۴۵۰ نفر از طریق نمونه‌برداری چند مرحله‌ای به قرار زیر انتخاب شد. ابتدا از ۴ منطقه شمال، جنوب، شرق و غرب تعدادی محله و سپس از هر محله تعدادی منزل یا مغازه و از هر مغازه یا منزل نیز یک نفر برای پاسخگویی به پرسشنامه‌های پژوهش انتخاب شد. به دلیل عدم بازگشت ۲۰ پرسشنامه تعداد نمونه به ۴۳۰ نفر کاهش یافت. (۲۰۷ زن و ۲۲۳ مرد). بیشترین درصد افراد گروه نمونه در گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال با میانگین سنی ۳۰ و انحراف معیار ۱۰/۱۴ قرار گرفت. برای گردآوری داده‌ها از ابزارهای زیر استفاده شد:

- مقیاس باور به دنیای عادلانه^۱ (رابین و پپلاو، ۱۹۷۳ و

1. Belief in a Just World Scale (BJWS)
2. Buss and Perry's Aggression Questionnaire

3. physical aggression
4. verbal aggression

5. anger
6. hostility

معنادار بین زنان و مردان به دست نیامد. اعتبار این پرسشنامه در تحقیق حاضر برحسب ضریب آلفای کرونباخ برای پرخاشگری جسمانی، خشم، خصومت و پرخاشگری کلامی به ترتیب برابر با ۰/۷۷، ۰/۸۴، ۰/۷۳ و ۰/۷۵۲ بود. تحلیل داده‌ها از طریق ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون گام به گام و ضرایب همبستگی تفکیکی صورت گرفت.

یافته‌ها

نتایج جدول ۱ نشان می‌دهند که بین پرخاشگری

جسمانی و پرخاشگری کلامی با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه رابطه معناداری وجود ندارد، اما بین خشم و خصومت با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه رابطه منفی معنادار (به ترتیب برابر با ۰/۱۶۶- و ۰/۱۱۸-) وجود دارد. در جدول ۲ نتایج مربوط به رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی خشم و خصومت از طریق باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه آورده شده است. در این جدول، نتایج پیش‌بینی پرخاشگری کلامی و پرخاشگری جسمانی ارائه نشد. چون هیچیک از دو بُعد باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه برای این دو بعد پرخاشگری دارای توان پیش‌بین معنادار نبودند.

جدول ۱. میانگین، انحراف استاندارد و ضرایب همبستگی باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه و ابعاد پرخاشگری

متغیرها	<u>M</u>	<u>SD</u>	۱	۲	۳	۴	۵
۱. باور به دنیای عادلانه	۴۴/۰۱	۸/۰۲					
۲. باور به دنیای ناعادلانه	۳۴/۵	۶/۵۰	-۰/۰۷۳				
۳. پرخاشگری فیزیکی	۱۸/۹۷	۵/۷۸	-۰/۰۹۲	-۰/۰۵۳			
۴. پرخاشگری کلامی	۱۱/۷۰	۳/۰۶	-۰/۰۶۲	-۰/۰۶۹	۰/۵۹۲**		
۵. خشم	۱۶/۱۴	۵/۶۴	-۰/۱۶۶**	-۰/۰۹۷*	۰/۶۱۳**	۰/۵۷۲**	
۶. خصومت	۱۶/۸۸	۵/۰۷	-۰/۱۱۸**	-۰/۱۵۶**	۰/۵۲۰**	۰/۴۳۷**	۰/۵۲۹**

* $P < 0.05$. ** $P < 0.01$.

نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان دادند که در گام اول باور به دنیای عادلانه ($R^2 = 0.028$ ، $P \leq 0.01$) و $F = 12/184$) قادر به پیش‌بینی خشم است. ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۱۶۶ و واریانس تبیین شده باور به دنیای عادلانه توسط خشم ۲/۸ درصد به دست آمد. در گام دوم، باور به دنیای ناعادلانه ($R^2 = 0.04$ ، $P \leq 0.05$) و $F = 8/807$) با توانی کمتر از باور به دنیای عادلانه قادر به پیش‌بینی خشم بود. با افزوده شدن باور به دنیای ناعادلانه واریانس تبیین شده ۰/۴ درصد افزایش یافت. در مجموع تبیین واریانس خشم توسط باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه در حدود ۴ درصد ضعیف است (جدول ۲).

نتایج رگرسیون گام به گام درباره خصومت نشان دادند که باور به دنیای ناعادلانه در گام اول ($R^2 = 0.024$ ، $P < 0.01$) و $F = 10/736$) قادر به پیش‌بینی خصومت است.

ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۱۵۶ و واریانس تبیین شده برابر با ۲/۴ درصد به دست آمد. در گام دوم با ورود باور به دنیای عادلانه واریانس تبیین شده خصومت به میزان ۱/۷ درصد افزایش یافت. در مورد خصومت نیز واریانس تبیین شده در حدود ۴/۱ درصد و ضعیف است. چون بین خشم و خصومت رابطه مثبت و معنادار برابر با ($r = 0.529$ ، $P < 0.01$) به دست آمد. ضرایب همبستگی تفکیکی بین خشم با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با کنترل خصومت و بین خصومت با باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با کنترل خشم محاسبه شد. این محاسبه‌ها نشان دادند که با کنترل خصومت رابطه خشم با باور به دنیای عادلانه برابر با ۰/۱۲۴- و از لحاظ آماری معنادار ($P < 0.01$) بود، اما بین خشم با باور به دنیای ناعادلانه و بین خصومت با باور به دنیای عادلانه رابطه معنادار به

جدول ۲.

ضرایب استاندارد در رگرسیون گام به گام برای پیش‌بینی خشم و خصومت از طریق باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه

R^2	R	β	B	گامها	
۰/۰۲۸	۰/۱۶۶				خشم
				گام اول :	
		-۰/۱۶۶	-۰/۱۱۷**	باور به دنیای عادلانه	
		-۰/۱۷۴	-۰/۱۲۳**	باور به دنیای عادلانه	
۰/۰۴	۰/۱۹۹				گام دوم :
		-۰/۱۱۰	-۰/۰۹۵*	باور به دنیای ناعادلانه	
۰/۰۲۴	۰/۱۵۶				خصومت
				گام اول :	
		-۰/۱۵۶	-۰/۱۲۳**	باور به دنیای ناعادلانه	
		-۰/۱۶۶	-۰/۱۲۹**	باور به دنیای ناعادلانه	
					گام دوم :
۰/۰۴۱	۰/۲۰۳	-۰/۱۳۰	-۰/۰۸۲*	باور به دنیای عادلانه	

* $P < 0.05$. ** $P < 0.01$.

شواهد حاصل از بررسی همبستگیها نشان دادند که بین باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با ابعاد پرخاشگری کلامی و جسمانی رابطه معنادار وجود ندارد، اما رابطه بین ابعاد خشم و خصومت و باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه منفی و معنادار است. به دلیل ارتباط بالنسبه قابل توجه خشم و خصومت، زمانی که خصومت مهار می‌شود، رابطه خشم با باور به دنیای عادلانه معنادار باقی می‌ماند و در زمان مهار خشم، رابطه باور به دنیای ناعادلانه فقط با خصومت معنادار است. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نیز حاکی از آن بود که برای خشم ابتدا باور به دنیای عادلانه و سپس باور به دنیای ناعادلانه و برای خصومت ابتدا باور به دنیای ناعادلانه و سپس باور به دنیای عادلانه دارای توان پیش بین معنادار هستند.

بنابراین نتیجه اصلی حاصل از این پژوهش آن است که باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه در حوزه پرخاشگری نیز دارای کنشهای مختلف است. این یافته‌ها، با تأکید نظریه‌پردازانی مانند فرنهام (۱۹۸۵)، فرنهام و کارانی (۱۹۸۵) و فرنهام و پروکتر (۱۹۸۹) مبنی بر اینکه به دلیل متمایز بودن باور به دنیای ناعادلانه از باور به دنیای عادلانه، این باورها به پیامدهای متفاوتی منجر می‌شوند تا حدی همسویی دارند و از سوی دیگر، در راستای یافته‌های

دست نیامد، بین خصومت با باور به دنیای ناعادلانه رابطه معنادار (برابر با -۰/۱۲۵) بود.

بحث و نتیجه‌گیری

بررسیهای انجام شده در مورد باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه به‌طور ضمنی بر کنشهای متمایز این دو ساختار دانش و باور تأکید کرده‌اند. سه‌گنش شامل ضربه‌گیری تجربه‌های تنیدگی‌زای منفی، کاهش بی‌عدالتی ادراک شده و افزایش اعتماد بین فردی برای باور به دنیای عادلانه مطرح شده است (گل‌پرور و همکاران، ۱۳۸۶). اما برای باور به دنیای ناعادلانه، عدم وجود پیامدهای مثبت حاصل از باور به دنیای عادلانه پیش‌بینی و پیشنهاد شده است (گل‌پرور، ۱۳۸۶). به عبارت دیگر باور به دنیای ناعادلانه، از زاویه ماهیت و محتوای خود قادر به تأمین کنشهای مثبتی که برای باور به دنیای عادلانه متصور هستیم نیست. این بررسی نیز براساس این فرض صورت بندی شد که باور به دنیای عادلانه نسبت به باور به دنیای ناعادلانه با جلوگیری از سوگیریهای اسنادی به علل رفتارها و رویدادهایی که افراد در زندگی اجتماعی با آنها مواجه می‌شوند، به نتایج متفاوتی در رفتارهای پرخاشگرانه

پژوهشگرانی (مانند بگیو و مولر، ۲۰۰۶) هستند که نشان داده‌اند هر چه افراد به دنیای عادلانه تعلق خاطر بیشتری داشته باشند به همان میزان از انجام رفتارهای پرخاشگرانه اجتناب می‌کنند. طرح این نکته الزامی است که رابطه بین باور به دنیای ناعادلانه و خصومت (در سطح همبستگی تفکیکی مرتبه اول) نیز منفی بود. این همبستگی منفی بین باور به دنیای ناعادلانه و خصومت دارای تفسیری متفاوت نسبت به همبستگی منفی بین باور به دنیای عادلانه و خشم است. باید توجه داشت که کاهش نمره در زیرمقیاس باور به دنیای ناعادلانه حاکی از ناعادلانه‌تر بودن شرایط دنیاست. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که هر چه افراد دنیا را ناعادلانه‌تر تلقی کنند سطح خصومت آنها بالاتر می‌رود. در پرسشنامه پرخاشگری باس و پری، خشم به عنوان بُعدی از پرخاشگری با نمودهای آشکار و قابل مشاهده در رفتار فرد و خصومت به منزله جنبه‌ای از پرخاشگری با درون‌مایه‌های بدگمانی و منفی‌بافی توصیف شده‌اند. بنابراین براساس یافته‌های به دست آمده می‌توان این نکته را مطرح کرد که افزایش باور به دنیای عادلانه به کاهش خشم و خصومت و افزایش باور به دنیای ناعادلانه، به افزایش خشم و خصومت منجر می‌شود.

دلیل اینکه چرا باور به دنیای عادلانه با نمودهای رفتاری (حداقل در سطح خشم و نه پرخاشگری جسمانی و کلامی) پرخاشگرانه ارتباط دارد، شاید این نکته باشد که این نوع باورها به‌سان قراردادی شخصی هستند که در صورت نیرومندی، رفتار فرد را هدایت می‌کنند. این قرارداد شخصی به طور طبیعی در زمان تجربه بی‌عدالتی یا باعث اقدامی جهت اصلاح بی‌عدالتی می‌شود و یا در صورت ناتوانی در اصلاح بی‌عدالتی، به توجیه آن منجر می‌شود. بنابراین، این احتمال وجود دارد که افراد برای رفع بی‌عدالتیهای قابل مشاهده از رفتارهای مشهود خشم استفاده کنند. در عین حال این تبیین برای رابطه خشم با باور به دنیای عادلانه مطرح است که به دلیل کنشهایی مانند ضربه‌گیری در تنیدگیها و تسهیل اعتماد بین فردی بر مبنای این باور که هیچگاه امور بد برای افراد خوب اتفاق نمی‌افتند، وقوع یا رویداد بی‌عدالتی به عنوان یک

امر ناهمخوان با این باور می‌تواند باعث خشم افراد شود. اما تبیین دیگری که با جهت‌گیریهای نظری و پژوهشی همسویی قابل توجه‌تری دارد این است که باور به دنیای عادلانه، تفسیر رویدادها و حوادث جهان اجتماعی توسط انسانها را تحت تأثیر قرار می‌دهد: «مادام که مردم خوب هستند، امور بدی برای آنها اتفاق نمی‌افتد». بنابراین، تجربه بی‌عدالتی یا بدین معناست که فرد از حدود خوب بودن خارج شده، پس استحقاق شرایط ناعادلانه را دارد و یا اینکه فرد را براساس باور به نوعی عدالت غایی به این فکر وا می‌دارد که بی‌عدالتیها در آینده جبران و یا برطرف خواهند شد. نتیجه هر دو تفسیر یکسان است: کاهش میزان خشم و واکنشهای پرخاشگرانه (دالبرت، ۲۰۰۲).

اما رابطه باور به دنیای ناعادلانه با خصومت، حاکی از وجود کنشهای ذهنی منفی نسبت به باور به دنیای ناعادلانه است و پیامدهای آن به رهایی از پایبندی به قواعد مبتنی بر عدالت و انصاف منجر می‌شود (برای نمونه دالبرت و دیگران، ۲۰۰۱؛ گل پرور، ۱۳۸۶) و این رهایی ممکن است فعل‌پذیری را در پردازش شناختی در چرخه‌های معیوب ذهنی برای افراد به ارمغان آورد. این چرخه‌های معیوب وقتی به نشخوار ذهنی تبدیل می‌شوند، بدگمانی و منفی‌نگری را به دنبال دارند. رابطه خصومت با باور به دنیای ناعادلانه نیز در همین جهت است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که باور به دنیای عادلانه دارای کنش هیجانی تعدیل و مهار خشم و خصومت، اما باور به دنیای ناعادلانه دارای کنش افزایش خشم و خصومت مبتنی بر بدگمانی و منفی‌نگری است. افزون بر این، یافته‌های این پژوهش، کنش چهارمی را نیز برای باور به دنیای عادلانه به عنوان کنش هیجانی تعدیل خشم و خصومت مطرح می‌کنند. در تفسیر و تعمیم نتایج حاصل از این پژوهش لازم است توجه شود که میزان واریانس تبیین شده خشم و خصومت براساس باور به دنیای ناعادلانه و عادلانه در حد ضعیفی (به ترتیب ۴ درصد و ۴/۱ درصد) بود، به همین دلیل در تعمیم‌دهی نتایج تا تکرار چنین پژوهشی در دیگر نقاط کشور باید احتیاط شود. در عین حال لازم است با استفاده از

- Brown, J., & Grover, J. (1998).** The role of moderating variables between stressor exposure and being distressed in a sample of serving police officers. *Personality and Individual Differences, 24* (2), 181-185.
- Buss, A. H., & Perry, M. (1992).** The aggression questionnaire. *Journal of Personality and Psychology, 63*, 452-459.
- Crandall, C. S., & Cohen, C. (1994).** The personality of the stigmatizer: cultural world view, conventionalism, and self-esteem. *Journal of Research in Personality, 28* (4), 461-480.
- Dalbert, C. (2002).** Belief in a just world as a buffer against anger. *Social Justice Research, 15* (2), 123-145.
- Dalbert, C., Lipkus, I. M., Sallay, H., & Goch, I. (2001).** A just and an unjust world: Structure and validity of different world beliefs. *Personality and Individual Differences, 30*, 561-577.
- Dodge, K. A., Bates, J. E., & Pettit, G. S. (1990).** Mechanisms in the cycle of violence. *Science, 250*, 1678-1683.
- Dodge, K. A., Pettit, G. S., McClaskey, C. L., & Brown, M. (1986).** Social competence in children. *Monographs of the Society for Research in Child Development, 51* (2), 1-89.
- Furnham, A. (1985).** Just world beliefs in an unjust society: A cross cultural comparison. *European Journal of Social Psychology, 15*, 363-366.
- Furnham, A., & Karani, R. (1985).** A cross-cultural study of attributions to woman, just world, and locus of control beliefs. *Psychologia, 28*, 11-20.
- Furnham, A., & Procter, E. (1989).** Belief in a just world: Review and critique of the individual difference literature. *British Journal of Social Psychology, 60*, 1-11.
- گروه‌های نمونه دیگر (به ویژه به تفکیک جنس) رابطه باور به دنیای عادلانه و ناعادلانه با ابعاد مختلف پرخاشگری مورد بررسی قرار گیرد. همچنین برای قطعیت بخشیدن به نقش باور به دنیای ناعادلانه و عادلانه در خصومت و خشم، سازماندهی آزمایشهایی که بتوان از آن طریق باور به دنیای ناعادلانه و عادلانه را دستکاری و نتایج آن را بر خشم و خصومت مشخص کرد نیز می‌توانند به قاطعیت نتایج بیافزایند.
- ### منابع
- گل‌پرور، م. (۱۳۸۶).** ساختار عاملی پرسشنامه باورهای دنیای عادلانه رابین و پپلاو، شواهدی از تمایز باورهای دنیای عادلانه و ناعادلانه در ایران. در مرحله داوری در مجله علوم روانشناختی.
- گل‌پرور، م. و جوادی، س. (۱۳۸۶).** الگوی ارتباطی بین باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با شاخصهای بهداشت روانی: الگوی معادلات ساختاری. *فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۸* (۳۲)-۱۰۹-۱۲۲، (۳۱).
- گل‌پرور، م. و عریضی، ح. ر. (۱۳۸۶).** اعتباریابی پرسشنامه‌های باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران. *مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۲۵* (۴)، ۲۱۲-۱۹۳.
- گل‌پرور، م. کامکار، م. و جوادی، س. (۱۳۸۶).** رابطه باورهای دنیای عادلانه برای خود و دیگران با سلامت عمومی، رضایت از زندگی، عاطفه مثبت و منفی و افکار خودکار. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی، ۹* (۳۲)، ۶۸-۳۹.
- Begue, L. (2002).** Beliefs in justice and faith in people: Just world, religiosity and interpersonal trust. *Personality and Individual Differences, 32* (3), 375-382.
- Begue, L., & Muller, D. (2006).** Belief in a just world as moderator of hostile attributional bias. *British Journal of Social Psychology, 45*, 117-126.
- Birt, C. M., & Dion, K.L. (1987).** Relative deprivation theory and responses to discrimination in a gay male and lesbian sample. *British Journal of Social Psychology, 26*, 139-145.

- duction of false consciousness. *British Journal of Social Psychology*, 33, 1-27.
- Lambert, A. J., Burroughs, T., & Nguyen, T., (1999).** Perceptions of risk and the buffering hypothesis: The role of just world beliefs and right-wing authoritarianism. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 25, 643-656.
- Lerner, M. J., Miller, D. T., & Holmes, J. G. (1976).** Deserving and the emergence of forms of justice. In L. Berkowitz & E. Walster (Eds.), *Advances in experimental social psychology* (Vol 9, PP. 133-162). New York: Academic Press.
- Lipkus, I. M. (1991).** The construction and preliminary validation of a global belief in a just world scale and the exploratory analysis of the multidimensional belief in a just world. *Personality and Individual Differences*, 12 (11), 1171-1178.
- Lipkus, I. M., & Bissonnette, V. L. (1996).** Relationships among belief in a just world, willingness to accommodate and marital well being. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 22, 666-677.
- Lipkus, I. M., Dalbert, C., & Siegler, I. C. (1996).** The importance of distinguishing the belief in a just world for self versus for others: Implications for psychological well-being. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 22 (7), 666-677.
- Lipkus, I. M., & Siegler, I. C. (1993).** The belief in a just world and perceptions of discrimination. *Journal of Psychology*, 127 (4), 465-474.
- Mischel, W., & Shoda, Y. (1995).** A cognitive-affective system theory of personality reconceptualizing situations, dispositions, dynamics, and invariance in personality structure. *Psychological Review*, 102, 246-286.
- Montada, L. (1998).** Belief in a just world: A hybrid *Psychology*, 28, 365-384.
- Greenberg, J., Solomon, S., & Pyszczynski, T. (1997).** Terror management theory of self-esteem and cultural worldviews: Empirical assessment and conceptual refinements. In M.P. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (Vol.29, PP. 61-139.). San Diego, CA: Academic Press.
- Hafer, C. L., & Correy, J. M. (1999).** Mediators of the relation between belief in a just world and emotional responses to negative outcome. *Social Justice Research*, 12 (3), 189-204.
- Hafer, C. L., & Olson, J. M. (1993).** Belief in a just world, discontent, and assertive actions by working women. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 19 (1), 30-38.
- Hafer, C. L., & Olson, J. M. (1998).** Individual differences in the belief in a just world and responses to personal misfortune. In Montada, L., & M. J. Lerner, (Eds.), *Responses to victimization and belief in a just world* (PP.65-86), New York: Plenum.
- Higgins, E. T. (1996).** Knowledge activation: Accessibility, applicability, and salience. In E. T. Higgins & A. W. Kruglanski (Eds.), *Social psychology: Handbook of basic principles* (PP. 133-168). New York: Guilford Press.
- Huesmann, L. R., & Guerra, N. G. (1997).** Children's normative beliefs about aggression and aggressive behavior. *Journal of Personality and Social Psychology*, 72, 408-419.
- Janoff – Bulman, R. (1989).** Assumptive worlds and the stress of traumatic events: Applications of the schema construct. *Social Cognition*, 7, 113-136.
- Jost, J. T., & Banaji, M. R. (1994).** The role of stereotyping in system-justification and the pro-

89.

Scott, C. (2008). Belief in a just world: A case study in public health ethics. *The Hastings Center Report*, 38 (1), 16-19.

Slaby, R. G., & Guerra, N. G. (1988). Cognitive mediators of aggression in adolescent offenders: 1. Assessment. *Developmental Psychology*, 24 (4), 580-588.

Tomaka, J., & Blascovitch, J. (1994). Effects of justice beliefs on cognitive appraisal of and subjective, physiological, and behavioral responses to potential stress. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67, 732-740.

of justice motive and self-interest? In L. Montada & M. J. Lerner (Eds.), *Responses to victimizations and belief in a just world* (PP. 217-246). New York: Plenum Press.

Nakano, K. (2001). Psychometric evaluation on the Japanese adaptation of the Aggression Questionnaire. *Behavior Research and Therapy*, 39, 853-858.

Rubin, Z., & Peplau, L. A. (1973). Belief in a just world and reactions to another's lot: A study of participants in the national draft lottery. *Journal of Social Issues*, 29 (4), 73-93.

Rubin, Z., & Peplau, L. A. (1975). Who believes in a just world? *Journal of Social Issues*, 31 (3), 65-